

سایه ی نا امنی بر کنفرانس بروکسل

مهدی مدبر



است، وضعیت امنیتی کشور همواره با چالش مواجه بوده است، تهدیدهای امنیتی افزایش یافته است، حملات خونین انتحاری زیادی صورت گرفته است و بخش های از کشور به تصرف گروه طالبان در آمده است، از سوی دیگر اعضای جنبش روشنائی نیز قرار است در بیرون از ساختمان محل برگزاری این کنفرانس تظاهرات کند و عدم مصرف متوازن کمک های جامعه جهانی در افغانستان، انتقاد کنند. این اعتراضات نیز می توانند بر این کنفرانس سایه افگند و مقامات حکومت وحدت ملی و همچنان کشورهای کمک کننده را، تحت فشار رسانانه یی و افکار عامه قرار بدهد. بسیاری از رسانه های غربی که موافق تداوم کمک ها به حکومت افغانستان نیستند، از این تظاهرات به عنوان یک سند ادعای شان استفاده خواهند کرد و مقامات غربی را بخاطر کمک به افغانستان، تحت فشار قرار خواهند داد.

امنیتی و عدم تامین امنیت جان کارکنان شرکت های خدماتی، این پروژه ها تکمیل نگردیده است. از سوی دیگر بسیاری از مخالفان مسلح حکومت افغانستان همواره تلاش کرده اند تا مکتب ها، پل و پل چک ها و سایر تاسیساتی را که از پل چک های جامعه ی جهانی تاسیس شده است، به آتش بکشند و تخریب کنند. این امر نشان می دهد که امنیت، می تواند عملکرد حکومت افغانستان و نهادهای بین المللی را در تمام بخش ها، تحت تاثیر قرار بدهد و در کارایی و موثریت آنها نقش مهم داشته باشد. پس حتما باید شرایط امنیتی برای مصرف کمک های جامعه ی جهانی مهیا شود تا حکومت افغانستان و نهادهای بین المللی بتوانند به اهداف توسعه ی شان در افغانستان برسند و در زمینه مبارزه با فساد و حقوق بشر بهبود را بوجود بیاورند. افزایش حملات اخیر طالبان و تشدید نا امنی، می تواند تا اندازه ی کار مقامات افغانستان را در کنفرانس بروکسل سخت تر کند و انتقادات شدید تری را از این کنفرانس در راه های کمک های جامعه ی جهانی از برنامه های توسعه ی زیادی راه و حدت ملی قدرت را در دست گرفته

داخل کشور افزایش بدهند، تا این نا امنی ها بر تصمیم گیری های جامعه ی جهانی در این کنفرانس سایه افگند و نوعی چالش برای رهبران حکومت وحدت ملی خلق گردد. هر چند که در این کنفرانس روی مسائلی امنیتی بحث صورت نخواهد گرفت و تمرکز اصلی این کنفرانس روی بخش های همانند مبارزه با فساد اداری، اصلاح نظام انتخاباتی، توسعه ی ملی برای نزدیک شدن به خود کفایی و حقوق بشر خواهد بود، اما نا امنی و تشدید حملات طالبان می تواند کارگزاران حکومت وحدت ملی را زیر سؤال ببرد. در واقع امنیت یک رکن مهم از تمام برنامه های است که قرار است در کنفرانس بروکسل روی آن ها بحث شود و تصمیم اتخاذ گردد. بدون تامین امنیت، نه برگزاری انتخابات ممکن است، نه توسعه ی زیر بنا و نه بهبود وضعیت حقوق بشر. همچنین نا امنی نقش مهم در افزایش فساد اداری دارد و می تواند مبارزه در این مورد را نیز با چالش مواجه کند. در سالهای گذشته با پول کمک های جامعه ی جهانی از برنامه های توسعه ی زیادی راه و حدت ملی قدرت را در دست گرفته

هملند است که همواره با تهدید امنیتی روبرو بوده است و در طول یک نیم دهه گذشته کمتر از امنیت و آرامش برخوردار بوده است. همچنین گفته می شود که جنگ شدید میان نیروهای امنیتی و گروه طالبان در بخش های از ولایت بغلان جریان دارد. حملات طالبان و جنگ با نیروهای امنیتی در ولایت بغلان نیز مدت ها است که هر از گاهی تشدید می شود و تقریبا جنگ دوام دار در بخش های از این ولایت دارد. کنفرانس بروکسل برای افغانستان سرنوشت ساز و حیاتی است، در این کنفرانس ۷۰ کشور جهان به علاوه ۳۰ سازمان و نهاد بین المللی شرکت می کنند تا درباره تداوم کمک های شان به افغانستان تا سال ۲۰۲۰ تصمیم بگیرند. طبق گفته های مقامات افغانستان، در این کنفرانس کشورهای کمک کننده، سالانه بیش از ۳.۵ میلیارد دلار کمک به افغانستان را وعده خواهند داد.

افزایش نا امنی در آستانه برگزاری این کنفرانس، می تواند یک چالش جدی برای مقامات حکومت وحدت ملی به شمار رود، هلمند حمله کردند پس از چندین ساعت درگیری، موفق شدند که مرکز ولسوالی را تصرف کنند. ناه ای یکی از ولسوالی های

مورد در این ولایت فرستاده شد، همه این نیروها کاملا تجهیز شدند، در نهایت وقتی این ولایت به دست طالبان می افتد، تمام آنچه در این ولایت از تجهیزات نظامی وجود دارد توسط طالبان برده می شود. اثر مخرب دیگر رد و بدل شدن مناطق، خالی شدن مناطق از سکنه اصلی است. شکست نیروهای دولتی اعتماد مردم به مانند در ولایات ولسوالی ها را کاهش می دهد. مردم می دهند تا سرمایه و خانواده خود را به مناطق امن انتقال دهند و به هر صورتی از میدان جنگ بگریزند که یکی از بدترین عواقب جنگ خواهد بود.

شکست های بی در بی دولت، در دراز مدت اثرات و پیامدهای ذیل را در پی خواهد داشت: دولت اول این شکست ها به شکست و تضعیف همکاری امنیتی و نظامی افغانستان منجر خواهد شد که صدقانه و با شجاعت در مقابل طالبان می جنگند و از مردم و وطن شان دفاع می کنند. این رد و بدل شدن ولایات و حمله به ولسوالی ها میان دولت و طالبان، نمایشی از یک مسابقه کاملا غیر حرفه ای در انتظار جهان و مردم افغانستان است. در این نمایش چنین وانمود می شود که طالبان یک قدم از نیروهای دولتی پیشترند، آنان می توانند به اهداف خود دست یابند. این برداشتن ذهنیت در کشوری که جذب جنگجو به آسانی صورت می گیرد بسیار خطرناک است. بدین ترتیب سنجرهای طالبان به راحتی پر می شوند. علاوه بر این، شکست ها و رد و بدل شدن مناطق، طالبان را تجهیز خواهد کرد. تصور کنید که کندز پس از سقوط در سال گذشته، دوباره به دست دولت افغانستان و هزاران نیروی نظامی به این ولایت فرستاده شد، همه این نیروها کاملا تجهیز شدند، در نهایت وقتی این ولایت به دست طالبان می افتد، تمام آنچه در این ولایت از تجهیزات نظامی وجود دارد توسط طالبان برده می شود. اثر مخرب دیگر رد و بدل شدن مناطق، خالی شدن مناطق از سکنه اصلی است. شکست نیروهای دولتی اعتماد مردم به مانند در ولایات ولسوالی ها را کاهش می دهد. مردم می دهند تا سرمایه و خانواده خود را به مناطق امن انتقال دهند و به هر صورتی از میدان جنگ بگریزند که یکی از بدترین عواقب جنگ خواهد بود.

نگاهی به عوامل حملات مکرر گروه طالبان به هلمند و کندوز

رحیم حمیدی



رهبری گلبدین حکمتیار توافقی صلح امضا نماید، امضای حکومت صلح این امید را به رهبران حکومت وحدت ملی داده اند که گروه طالبان این توافقنامه را الگوی رفتاری خود قرار داده و با حکومت وارد گفتگو و مذاکره می شود. این روزنه امید باعث شده است که رهبران سیاسی حکومت وحدت ملی انعطاف پذیری بیشتری در مواجهه با گروه طالبان از خود نشان دهد. نیروهای امنیتی کشور در بسیاری موارد، اجازه حمله بر مواضع گروه طالبان را ندارد. در واقع، در بسیاری موارد، رهبران حکومت وحدت ملی به خاطر پروسه صلح نیروهای امنیتی کشور را در موضع دفاعی قرار داده اند. اگر چه در اول بهار سال جاری وزارت دفاع ملی کشور اعلان نمود که استراتژی نیروهای امنیتی کشور در حالت دفاعی به حالت تهاجمی تغییر داده شده اند. اما، کمتر موردی اتفاق افتاده است که نیروهای امنیتی کشور بر مواضع گروه طالبان حمله نموده و مناطق بر تهدید را از وجود گروه طالبان پاکسازی نموده باشد.

حمله قریب الوقوع گروه طالبان بر یک ولسوالی و یا یک ولایت خبر داده اند اما، آماجگی اردو و پلیس ملی کشور ضعیف بوده اند. این ناشی از عدم هماهنگی میان سه قوه نیروهای امنیتی کشور را نشان می دهد و یا فقدان هماهنگی میان مرکز و نیروهای امنیتی در میدان جنگ را. تقیب و از ریشه کن کردن گروه طالبان در یک ولسوالی و ولایت در استراتژی جنگی نیروهای امنیتی کشور جای ندارد. در هیچ ولایت کشور نیروهای امنیتی گروه طالبان را به صورت کامل پاکسازی ننموده است. نیروهای امنیتی کشور تنها آن ها را وادار به عقب نشینی می کند و فراتر از آن عمل نمی کند. همین مسئله باعث می شود که گروه طالبان دوباره خود را سازماندهی نموده و بار دیگر حمله نماید. در واقع مهمترین مسئله در حملات مکرر گروه طالبان در هلمند و کندز و بسیاری از ولسوالی های دیگر ولایات فقدان فاکتور تقیب و پاکسازی گروه طالبان از یک منطقه می باشد. تا زمانی که فاکتور پاکسازی یک منطقه از گروه طالبان در استراتژی جنگی نیروهای امنیتی کشور گنجانده نشود ما در آینده شاهد بار بار حمله گروه طالبان خواهیم بود و هر بار هزینه های سنگین را متحمل خواهیم شد. مسئله دیگر رویکرد مقامات سیاسی کشور نسبت به جنگ و صلح با گروه طالبان است. جدیدا، حکومت وحدت ملی موفق شدند تا با حزب اسلامی به

گروه طالبان شد. گروه طالبان عقب نشینی نمودند. عقب نشینی آن ها اما، به نظر می رسد که تاکتیکی بوده است تا بتوانند خود را سازماندهی نموده و بار دیگر بر ولایت هلمند حمله نموند. دبروز، گروه طالبان به ولسوالی ناه ولایت هلمند حمله نموده و این ولسوالی را تصرف نمودند. چندی پیش که گروه طالبان در چند قدمی شهر لشکرگاه رسیده بود حکومت افغانستان حملات موفقیت گروه طالبان را با قاچاقچیان مواد مخدر پیوند می داد. عامل پیش روی این گروه را حضور قاچاقچیان داخلی و بین المللی می دانست. حمله مکرر گروه طالبان بر این دو ولایت نشان از خلاء ها در صفوف نیروهای امنیتی کشور نیز می دهد. حملات این گروه به صورت مشخص نشان از ضعف ریاست عمومی امنیت ملی می دهد. امنیت ملی کشور باید از اطلاعات از پلان های حمله گروه طالبان را کشف و در اختیار پلیس و اردوی ملی کشور قرار دهد تا این نیروها قبل از قتل آماجگی لازم برای پاسخ گویی حمله گروه طالبان داشته باشند. حتی در صورت ممکن پلیس و اردوی ملی قبل از حمله گروه طالبان بر مواضع این گروه حمله کند تا این گروه قادر به حمله بر یک ولسوالی یا ولایت نباشد. در همین جا لازم است این نکته را نیز یادآوری نمایم که مشکل تنها فقدان آگاهی نیروهای امنیت ملی نیست. در بسیاری موارد، امنیت ملی از

دبروز، گروه طالبان بر ولایت کندوز حمله نمودند و بخش های از این ولایت را تصرف نمودند. در عین حال، این گروه موفق شدند ولسوالی ناه ولایت هلمند را نیز تحت کنترل خود در آورد. گروه طالبان در حالی به ولایت ناه ولایت کندوز و ولسوالی ناه ولایت هلمند را تصرف نموده است که نیروهای بین المللی با حملات هوایی نیروهای امنیتی کشور را پشتیبانی نموده است. چرا بخش های از ولایت کندوز و هلمند همیشه در خطر سقوط قرار دارد؟ آیا عامل شکست در استراتژی نیروهای امنیتی است یا مسئله دیگری در پشت پرده مطرح است؟

یک سال پیش، در ششم میزان سال گذشته توانست کنترل شهر کندوز را به دست گیرد. نیروهای امنیتی کشور با پشتیبانی نیروهای بین المللی توانست شهر کندوز را دوباره از کنترل گروه طالبان خارج سازد. در پی این ریاست جمهوری کمیسیون حقیقت یاب تشکیل داد. نتیجه کمیسیون حقیقت یاب اعلان شد. کمیسیون حقیقت یاب هیچ فرد را رسیده بود حکومت افغانستان حملات موفقیت گروه طالبان را با قاچاقچیان مواد مخدر پیوند می داد. عامل پیش روی این گروه را حضور قاچاقچیان داخلی و بین المللی می دانست. حمله مکرر گروه طالبان بر این دو ولایت نشان از خلاء ها در صفوف نیروهای امنیتی کشور نیز می دهد. حملات این گروه به صورت مشخص نشان از ضعف ریاست عمومی امنیت ملی می دهد. امنیت ملی کشور باید از اطلاعات از پلان های حمله گروه طالبان را کشف و در اختیار پلیس و اردوی ملی کشور قرار دهد تا این نیروها قبل از قتل آماجگی لازم برای پاسخ گویی حمله گروه طالبان داشته باشند. حتی در صورت ممکن پلیس و اردوی ملی قبل از حمله گروه طالبان بر مواضع این گروه حمله کند تا این گروه قادر به حمله بر یک ولسوالی یا ولایت نباشد. در همین جا لازم است این نکته را نیز یادآوری نمایم که مشکل تنها فقدان آگاهی نیروهای امنیت ملی نیست. در بسیاری موارد، امنیت ملی از

سرمقاله

پیام ها و پیامدهای جنگ و گریز در ولایات

محمد رضا هویدا

سقوط ولایات و ولسوالی ها، یکی پس از دیگری، سقوط اعتماد مردم به دولت و استراتژی نظامی دولت را در پی دارد. ورود طالبان به بخش هایی از کندز و تصرف مناطقی از هلمند و همین گونه جنگ در برخی دیگر از ولایات کشور، برای مردم افغانستان کاملا غیر قابل قبول و شوک آور بود. دولت افغانستان نه در عرصه سیاسی توانسته تصمیم و کار درستی از خود نشان دهد و نه در عرصه نظامی قابلیت قابل توجهی از خود نشان داده است. در عرصه سیاست، سیاستمداران کشور هنوز تعریف واضحی از طالبان نوانسته اند ارایه کنند و در عرصه نظامی نیز با وجود تمام حمایت های جهانی، اما جنگ هر روز بیشترین گسترش پیدا می کند و مناطق بیشتری از افغانستان را در آتش خود می سوزاند. حقیقت این است که دولت افغانستان چه در گذشته و چه در حال حاضر هرگز سیاست منطقی و قابل قبولی در جنگ با طالبان نداشته است. دولت های گذشته و حال افغانستان همیشه نیروهای نظامی و امنیتی کشور را در وضعیت دفاعی و منفعلانه در مقابل طالبان قرار داده اند. در حکومت های گذشته، ده ها هزار نیروی نظامی خارجی و داخلی در مقابل فقط چند هزار نیروی طالبان قرار داشته اند و با تمام تجهیزات جنگی و پشتیبانی به گونه ای عمل کرده اند که روز به روز بر شکست های شان آنها و بر توان نظامی و حملات طالبان افزوده شده است.

شکست های بی در بی دولت، در دراز مدت اثرات و پیامدهای ذیل را در پی خواهد داشت: دولت اول این شکست ها به شکست و تضعیف همکاری امنیتی و نظامی افغانستان منجر خواهد شد که صدقانه و با شجاعت در مقابل طالبان می جنگند و از مردم و وطن شان دفاع می کنند. این رد و بدل شدن ولایات و حمله به ولسوالی ها میان دولت و طالبان، نمایشی از یک مسابقه کاملا غیر حرفه ای در انتظار جهان و مردم افغانستان است. در این نمایش چنین وانمود می شود که طالبان یک قدم از نیروهای دولتی پیشترند، آنان می توانند به اهداف خود دست یابند. این برداشتن ذهنیت در کشوری که جذب جنگجو به آسانی صورت می گیرد بسیار خطرناک است. بدین ترتیب سنجرهای طالبان به راحتی پر می شوند. علاوه بر این، شکست ها و رد و بدل شدن مناطق، طالبان را تجهیز خواهد کرد. تصور کنید که کندز پس از سقوط در سال گذشته، دوباره به دست دولت افغانستان و هزاران نیروی نظامی به این ولایت فرستاده شد، همه این نیروها کاملا تجهیز شدند، در نهایت وقتی این ولایت به دست طالبان می افتد، تمام آنچه در این ولایت از تجهیزات نظامی وجود دارد توسط طالبان برده می شود. اثر مخرب دیگر رد و بدل شدن مناطق، خالی شدن مناطق از سکنه اصلی است. شکست نیروهای دولتی اعتماد مردم به مانند در ولایات ولسوالی ها را کاهش می دهد. مردم می دهند تا سرمایه و خانواده خود را به مناطق امن انتقال دهند و به هر صورتی از میدان جنگ بگریزند که یکی از بدترین عواقب جنگ خواهد بود.

شکست های دولت وحدت ملی در میدان جنگ، بر سیاست های منطقه ای و جهانی و روابط افغانستان با کشورهای دیگر نیز تاثیر خواهد گذاشت. دولت افغانستان زمانی می تواند ابهت و اقتدار خود را به کشورهای جهان و همسایه نشان دهد که بتواند در مقابل دشمنان داخلی خود به خوبی بجنگد و آنان را قلع و قمع کند. اما نمایش های جنگ و گریز در ولایات، آسیب پذیری و ضعف دولت را نشان می دهد. دولتی که به خود مشغول باشد و نتواند مرزا، مناطق و ولایات خود را حفظ کند، چگونه می تواند با اقتدار در مقابل دسیسه ها و پلان های شوم دشمنان خارجی خود بایستد.



افغانستان با
The Daily Afghanistan Ma

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۲۷

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگه دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com